



روزه حضرت علي(ع) و همسر و فرزندان و بخشش سه افطاري به نیازمندان

امام حسن مجتبي(ع) و امام حسين(ع) در ایام کودکی بیمار شدند و پیامبر اکرم(ص) به همراه برخی از صحابه از آنان عیادت نمودند و آن گاه پیامبر(ص) به پدرشان حضرت علي(ع) فرمود: اگر برای بهبودی آنان نذری نمایی، امید است خداوند سبحان زودتر شفا عنایت کند.

امام حسن مجتبي(ع) و امام حسين(ع) در ایام کودکی بیمار شدند و پیامبر اکرم(ص) به همراه برخی از صحابه از آنان عیادت نمودند و آن گاه پیامبر(ص) به پدرشان حضرت علي(ع) فرمود: اگر برای بهبودی آنان نذری نمایی، امید است خداوند سبحان زودتر شفا عنایت کند.

حضرت علي(ع) گفت: ای رسول خدا(ص)! برای شفای آن دو نذر می کنم که سه روز روزه شکر به جای آورم. حضرت فاطمه زهرا(س) و خدمت کارش فضا نیز به مانند حضرت علي(ع) نذر کردند.

چند روزی نگذشت که دو ریحانه رسول خدا(ص) شفا یافتند و حضرت علي(ع) و همسرش فاطمه زهرا(س) قصد کردند که به نذرشان وفا کرده و سه روز روزه شکر بگیرند.

در آن زمان وضع مادی اکثر مسلمانان، به ویژه خانواده حضرت علي(ع) بسیار پایین بود و به سختی می گذشت.

بدین لحاظ آن حضرت ناچار گردید، از شمعون بن حار یای یهودی، مقداری جو قرض کند و آن را پس از آسیاب کردن، برای پخت نان استفاده کند و یا به روایتی دیگر، برای شمعون یهودی مقداری پشم برسید و اجرت آن را، سه من جو در یافت کرد.

فاطمه زهرا(س)، آن جو را آسیاب کرد و به سه بخش تقسیم نمود و هر بخشی را برای افطاری یک روز جدا کرد و سپس آن ها را در سه روز متوالی نان پخت.

آنان از روز بیست و پنجم ذی حجه شروع کردند به روزه گرفتن و ادا نمودن نذر خویش. حضرت علي(ع) در روز اول، نماز مغرب را با پیامبر(ص) به جا آورد و سپس برای صرف افطار به خانه رفت. ولی همین که در سر سفره نشست، مستمند و بیچاره‌ای از راه رسید و از آنان غذا طلبید. حضرت علي(ع) فرمود که سهمیه وی را به آن فقیر دهنده. فاطمه زهرا(س)، فضا و امام حسن(ع) و امام حسين(ع) نیز به پیروی آن حضرت سهمیه اندک خود را به فقیر داده و خودشان با آب افطار نمودند و روز بعد را با همین وضع روزه گرفتند. فاطمه زهرا(س) در روز دوم، بخش دیگر آرد را نان پخت و منتظر افطار ماند که او و همسرش و فرزندان با آن نان افطار کنند. ولی در این شب نیز یتیمی از راه رسید و در خواست غذا نمود. جملگی سهمیه خود را به یتیم داده و خود با آب افطار کردند و روز سوم را با همان وضع روزه گرفتند.

در روز سوم نیز فاطمه زهرا(س) باقی مانده آرد را نان پخت و در سر سفره گذاشت، تا هنگام افطار، همگی از آن تناول کنند، اما در این شب نیز محتاج دیگری فرا رسید. وی اسیر بی بضاعت و گرسنه ای بود که از فرط گرسنگی و در بدری، به خانه امام علي(ع) پناه آورد. در این شب نیز اهل خانه، غذای خود را به اسیر بخشیدند و تنها با آب افطار کردند.

روز چهارم، حضرت علي(ع) دست فرزندان حسن و حسين(علیهم السلام) را گرفت و نزد رسول خدا(ص) رفت، در حالی که فرزندان از شدت گرسنگی می لرزیدند.

پیامبر(ص) از وضعیت آنان پرسید و حضرت علي(ع) ماجرا را برای آن حضرت تعریف کرد.

پیامبر(ص) آن دو را در آغوش گرفت و به نزد دختر خود، فاطمه(س) آمد و دید وی در محراب عبادتش نشسته و به عبادت مشغول است، ولی چهره مبارکش از گرسنگی زرد و چشمانش گود شده است و کلاً بی حال است.

پیامبر(ص) از دیدن آنان بسیار متأثر و غمگین شد و دست بندگی به سوی پروردگارش بلند کرد و گفت: و اغوثاه، یا الله اهل بیت محمد یموتون جوعاً.

یعنی: ای داد، ای خدا! اهل بیت محمد از گرسنگی می میرند.

در همین هنگام جبرئیل امین فرود آمد و عرض کرد: ای رسول خدا(ص) آنچه خداوند متعال در باره اهل بیت تو عنایت کرده است، بنگر.

فرمود: چه چیزی را بنگرم!

جبرئیل امین این سوره را که در شأن فداکاری حضرت(ع) و همسرش فاطمه زهرا(س) و فرزندانش حسن و حسین(علیهم السلام) نازل شد، بر آن حضرت قرائت کرد: هل اتي علي الانسان حين من الدهر... إنما تطعمكم لوجه الله لا تريد منكم جزاء ولا شكوراً... بنا به روایتی در آن روز برای اهل بیت فداکار پیامبر(ص) غذایی از آسمان فرود آمد و آن را تا هفت روز تناول کردند.

بدین گونه، خداوند سبحان از ایثار و خود گذشتگی حضرت علی(ع) و خانواده بی نظیرش تقدیر کرد و قلب پیامبر(ص) را تسلی بخشید.